



ماشالله داداش هامون چقدر بارو بندیل دارن. بابا یکم سبک شده. خانومه با یه کیف دستی اومده میگه بکشید میشه آدرس خوابگاه رو بهم بدین؟! **۱۲**

سوزه های چشمه



من انشایم را با نام و یاد خدا آغاز می کنم دوران مدرسه رو بی خیال، می خوام تابستون دوران دانشجویی الانو بگم. بچه که بودیم، ذوق و شوق تابستان از بعد از تعطیلات عید شروع می شد. الان یه دانشجوی ارشد به قول یکی از دوستانم توی دانشگاه اول دوم کشوریم.

تابستان خود را چگونه گذرانید؟ **۸**



چشمه در گفتگو با پروفسور محمدرضا پورجعفر

- ۲ پیام تبریک رئیس دانشگاه
- ۳ مراسم نوحه سرایی و سینه زنی هیئت عزاداری دانشگاه تربیت مدرس
- ۵ ره صد ساله
- ۶ روز جهانی مبارزه با خودکشی
- ۷ سلول های بنیادی؛ دیروز، امروز، فردا
- ۹ ایران و آمریکا، از واقعیت تا ادعا در مبارزه با تروریسم
- ۱۱ نسبت امام حسین (علیه السلام) با معرفت و نوحیدن
- ۱۲ برگی از تاریخ گمنام حماسه سازان

نقش دستان معمار پر رجهای مرمر

صفحه ۴

گرامیداشت ایام محرم الحرام همراه با تبریک و تهنیت آغاز سال تحصیلی

شده از اهل بیت (علیهم السلام) است.

حجت الاسلام والمسلمین فلاح رفیع ادامه داد: اما نکته دوم اینکه این ماه گرچه ماه عزاداری و سیاه پوش و غم و غصه است؛ اما همه این ها مقدمه است. عزاداری هدف نیست، هدف زنده شدن راه و رسم ائمه معصومین (علیهم السلام) است. ذکر مظلومیت آن بزرگواران برای زنده شدن راه آن ها است و نه هدف عزاداری. اگر عزا و گریه آنقدر فضیلت دارد برای این است که به انگیزه آن ثوابها حرکت کنیم تا به اهداف بلندتر آن نائل آئیم.

استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس نکته سوم در این باره را ارتباط بین محرم و خودسازی برشمرد و اضافه کرد: ماه محرم ماه خودسازی است. محرم چیزی از ماه رمضان کم ندارد. اگر ماه رمضان ماه خدا است ماه محرم ماه ولایت و امامت است که مسیر رسیدن به خدا را هموار می کند. این ماه فرصتی است برای اینکه علاوه بر اهداف جامعه شناختی عاشورا، به اهداف فردی آن نیز بپردازیم و خودسازی از راه ارتباط با امام و ولایت انجام دهیم. با تحریک احساسات و گریه، قلب رقیق می شود و رقت قلب وسیله خیلی عالی است برای پیمودن راه خودسازی. قلب رقیق آماده حرکت به سوی اهداف والای الهی است.

اقتصادی، تخریب های اخلاقی جامعه، حمله به ارزش ها از جمله جنگ هایی است که ما با آنها مواجه هستیم. ما دانشگاهیان امروزه در همه این مرزها در حال جنگ و مبارزه هستیم. یعنی به ما حمله شده است و اگر ما خدای ناکرده متوجه نباشیم به شدت ضربه خواهیم خورد؛ ضربه ای به مراتب مهلک تر از ضربه در جبهه مسلحانه. یعنی متوجه باشیم جنگ تمام نشده است. جنگ جبهه های متعدد دارد، جنگ در مرزهای پیدا و پنهان انجام می گیرد. خسارات جنگ تنها خسارت های فیزیکی و ویرانی خانه ها و شهرها نیست، بلکه دامنه جنگ وسیع تر از این هاست و اکنون ما در این جبهه وسیع قرار داریم و در حال مبارزه ایم.

دکتر فلاح رفیع در ادامه ضمن تسلیت ایام عزاداری سیدالشهداء خاطر نشان نمود: اولاً عزاداری محرم و بزرگداشت آن چیزی است که ما از ائمه هدی (علیهم صلوات الله) به ویژه از امام صادق و امام رضا (علیهم السلام) داریم. محرم ماه عزای اهل بیت است. امام رضا (علیه السلام) فرمود: ریان اگر خواستی برای کسی و چیزی گریه کنی برای جد ما حسین (علیه السلام) گریه کن. بنابراین این سنت کاملاً شیعی و اتخاذ



حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد رهبری دانشگاه تربیت مدرس ضمن تبریک آغاز سال تحصیلی به دانشگاهیان، مطالبی را درباره ی هفته دفاع مقدس و ماه محرم الحرام در جمع اساتید، کارکنان و دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس بیان داشت.

ایشان در بخش نخست سخنان خود، سال تحصیلی را به همه جویندگان علم و دانش تبریک گفت و اظهار امیدواری کرد که دانشگاهیان در مسیر کسب دانش و فضیلت قرین توفیق باشند. دکتر فلاح رفیع در همین رابطه افزود: چنانچه آدمی تنها جویای علم باشد راه به جایی نخواهد برد بلکه علاوه بر علم باید فضیلت هم ضمیمه آن شود تا هر دو انسان را به کمال برساند.

ایشان ادامه داد: اینکه فضیلت چیست در جای خود باید مفصل بحث کرد اما مختصر اینکه فضیلت آن ارزش های الهی و انسانی است که باید در وجود انسان تجلی پیدا کند. همه ما دانش پژوهان می بایست فضیلت پژوه هم باشیم.

هفته دفاع مقدس نیز یادآور هشت سال دفاع جانانه و حماسی بود که هیچگاه نباید از تاریخ این سرزمین محو شود و ان شاء الله محو هم نخواهد شد. نکته مهم این است که بدانیم دفاع مقدس تنها به معنای جنگ فیزیکی نیست. دفاع یک مفهوم عام و فراگیر است که یکی از مصادیق آن جنگ اصطلاحی است. اما مصادیق دیگر دفاع که کمتر از این جنگ نیست، دفاع از مرزهای اعتقادی، اخلاقی، ارزش های دینی و انسانی و حتی دفاع اقتصادی و غیره است. امروزه تهاجم فرهنگی، تحریم های

مسئول نهاد رهبری دانشگاه سپس به آغاز هفته دفاع مقدس اشاره کرده و افزود: و اما مناسبت دوم اینکه در آستانه هفته دفاع مقدس قرار داریم.

پیام تبریک رئیس دانشگاه به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶

تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ و درخشش درس و دانشگاه را به اساتید و دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس؛ به ویژه دانشجویانی که برای نخستین بار به محیط مقدس دانشگاه گام نهاده‌اند، صمیمانه تبریک می‌گوییم.

امید است دانشجویان عزیز با تکیه بر ایمان و تقوای الهی و با شناخت استعداد های خود و با استفاده از ظرفیت‌های علمی و پژوهشی دانشگاه، اراده‌ی خویش را در راه تعالی و پیشرفت و بالندگی میهن عزیز استوار نموده و افتخار خدمت به مردم و حل مشکلات کشور را کسب نمایند. برای تمامی دانشجویان برومند، دستیابی به مدارج عالی دینی، اخلاقی، حکمت و علم و فناوری، توأم با موفقیت، بهروزی و سعادت را از قادر متعال آرزو نمودم.

محمد تقی احمدی

رئیس دانشگاه



به نام خدا

ماه مهر، ماه بهار دانش، ماه شوق و ذوق به تلاش و پویایی، ماه مهربانی، آگاهی، اشتیاق و ماه امید به نوآوری و گشایش مرزهای توانمندی دانشگاهیان با عطر دل انگیز یاد یاران و شهدای گرانقدر در هفته دفاع مقدس فرا رسید. فرصت را مغتنم شمرده و آغازی چنین برای سال

پیام تبریک رئیس دانشگاه به مناسبت گرامیداشت هفته دفاع مقدس

دکتر محمد تقی احمدی طی پیامی ۳۱ شهریورماه، سالروز آغاز هفته دفاع مقدس را به دانشگاهیان تبریک گفت.

متن پیام بدین شرح است:

ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم. ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم.

امام خمینی (ره)

سی و یکم شهریورماه بازتاب خاطرات آغاز هشت سال دفاع مقدس است. روزهایی که خاک پاک میهن اسلامی‌مان، سربلندی ملتی را شهادت می‌دهد که سرافرازانه در مقابل دنیای کفر و استکبار ایستادگی نمود و بر بلندی قلعه‌ی افتخار، پرچم آزادی را به اهتزاز درآوردند.

هفته بزرگداشت "دفاع مقدس" که به فرموده‌ی مقام معظم رهبری «اوج

اینجانب ضمن گرامیداشت یاد و خاطره رشادتها و دلاورمردی‌های همه شهیدان والامقام، رزمندگان و ایثارگران، فرا رسیدن این ایام غرورآفرین را به دانشگاهیان تبریک گفته و از خداوند متعال سربلندی ایران اسلامی و توفیقات روزافزون دانشگاهیان عزیز بویژه ایثارگران و جانبازان را آرزو نمودم.

محمد تقی احمدی

رئیس دانشگاه

عزاداری دهه اول محرم در مسجد قدس دانشگاه تربیت مدرس



مراسم عزاداری دهه اول محرم در مسجد قدس دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد

در ادامه ویژه برنامه‌های دهه اول محرم، مراسم سوگواری اباعبدا... الحسین در شب‌های چهارم تا یازدهم محرم در محل مسجد دانشگاه برگزار شد که با حضور خیل عظیم عزاداران حسینی همراه بود. سخنرانان این شب‌ها حجت الاسلام والمسلمین اسدی کیادهی، آیت‌ا. قرهی و در شب‌های نهم، دهم و یازدهم حجت الاسلام والمسلمین دکتر فلاح رفیع به سخنرانی پرداختند.

مداحی این شب‌های پر فیض و معنوی به عهده کربلایی حسین عرب سرخی بود.

بازدید هیات رئیسه دانشگاه از روند ثبت نام دانشجویان ورودی جدید



شد با حداقل زمان، روند ثبت نام صورت گیرد و دانشجویان کارت دانشجویی خود را برای بهره‌گیری از امکانات دانشجویی، تغذیه، کتابخانه و... در همان روز اول ثبت نام دریافت می‌کنند که این نظم و سرعت در روند ثبت نام بسیار حائز اهمیت و رضایت بخش است.

وی در خصوص آمادگی دانشگاه برای آغاز سال تحصیلی جدید تصریح کرد: با توجه به اینکه دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاهی تحصیلات تکمیلی است، دانشجویان برای انجام رساله و پایان‌نامه خود در فصل تابستان نیز در دانشگاه حضور دارند و دانشگاه همواره آماده خدمت به دانشجویان است، اما آغاز سال تحصیلی همواره معنویت و زیبایی خاص خود را دارد و دانشگاه برای دانشجویان جدید برنامه‌های ویژه‌ای دارد و سعی ما بر این است آموزش‌هایی را در خصوص توجه به محیط زیست و دانشگاه سبز برای دانشجویان داشته باشیم.

رئیس دانشگاه در پایان تصریح کرد: دانشگاه به رعایت کرامت و مقام دانشجویان از بدو ورود و در تمام طول تحصیل توجه ویژه‌ای داشته و امیدواریم شرایط و محیط دانشگاه نیز برای این عزیزان، دلپذیر و خاطره‌انگیز باشد.

همزمان با ثبت نام دانشجویان ورودی جدید، رئیس و معاونان آموزشی و پژوهشی دانشگاه با حضور در دانشکده‌های فنی و مهندسی، علوم انسانی و علوم پایه از چگونگی مراحل ثبت نام این دانشجویان بازدید کردند.

هیات رئیسه دانشگاه همچنین در بازدید از مراحل مختلف ثبت نام، با مسئولان مربوطه و پذیرفته‌شدگان، در خصوص نحوه ثبت نام و میزان رضایت مندی آنان از نزدیک به گفتگو پرداختند.

در این بازدید رئیس و معاونان دانشگاه ضمن تبریک آغاز سال تحصیلی جدید، برای تمام دانشجویان آرزوی موفقیت و بهروزی کردند.

دکتر محمد تقی احمدی رئیس دانشگاه در گفتگویی با اشاره به نحوه ثبت نام امسال دانشجویان اظهار داشت: ما امسال روش جدید غیرمتمرکز را برای ثبت نام اتخاذ کردیم و دانشجویان در مرحله نخست به صورت غیرحضوری و الکترونیکی ثبت نام اولیه را انجام داده و در مرحله دوم طبق جدول زمان بندی اعلام شده با حضور در دانشکده‌های مربوطه، ثبت نام حضوری را انجام خواهند داد که این امر سبب خواهد

استاد پیشکسوت رشته هیدرولیک کشور در دانشگاه تربیت مدرس

دکتر علی اکبر صالحی عضو هیات علمی در شانزدهمین کنفرانس ملی هیدرولیک ایران، به عنوان استاد پیشکسوت رشته هیدرولیک کشور



معرفی و تقدیر شد. در شانزدهمین کنفرانس ملی هیدرولیک ایران که پانزدهم و شانزدهم شهریورماه به میزبانی دانشگاه محقق اردبیلی برگزار شد، از دکتر علی اکبر صالحی استاد گروه سازه‌های هیدرولیکی دانشکده مهندسی عمران و محیط زیست دانشگاه به عنوان استاد پیشکسوت تقدیر شد. گفتنی است، شانزدهمین کنفرانس ملی هیدرولیک ایران حول محورهای مهندسی رودخانه، روش‌های عددی در مهندسی آب، مهندسی آب و فاضلاب، هیدرولیک دریا، سواحل و بنادر، محیط زیست در مهندسی آب، آب‌های زیرزمینی، مدل سازی و بهره برداری، مدیریت سیستم‌های منابع آب، سدها، سازه‌ها و ماشین‌های هیدرولیکی، HSE و پدافند غیرعامل در مهندسی آب، ابزارها و فناوری‌های نوین در مهندسی آب، کاربرد RS و GIS در مهندسی آب، مدیریت سیلاب، هیدرولوژی، کلیماتولوژی و تغییرات اقلیم، نیروگاه‌های برقابی، طراحی و بهره برداری به مدت دو روز در اردبیل برگزار شد.

نشریه چشمه کسب این موفقیت را به دکتر صالحی تبریک و تهنیت عرض می‌نماید.

دانشگاه تربیت مدرس در بالاترین استانداردهای موتورخانه‌های

فرهنگی برای دانشجویان برگزار می‌شود، دانشجویان برای انجام امور مربوط به فعالیت‌های سبز و محیط زیستی تشویق می‌شوند که اقدام بسیار خوبی است و این امر در بحث انگیزشی دانشجویان بسیار حائز اهمیت است.

وی در پایان سخنان خود بر لزوم دعوت از نمایندگان انجمن‌های دانشگاه در جلسات شورای مدیریت سبز دانشگاه تاکید کرد. در این نشست دکتر مختارانی عضو شورای مدیریت سبز در خصوص مدیریت جامع پسماند پردیس مرکزی دانشگاه مطالبی را عنوان کرد.

دکتر فصیح پور دبیر شورای مدیریت سبز نیز گزارشی از انجام مصوبات شورای مدیریت سبز دانشگاه ارائه نمود.

مهندس ریاحی از انجمن احتراق ایران نیز در خصوص استانداردسازی موتورخانه های دانشگاه مطالبی را عنوان کرد و گفت: دانشگاه تربیت مدرس در زمینه دریافت ایزو و استاندارد های مربوط به ایمنی، احتراق و مدیریت مصرف سوخت موتورخانه در میان دانشگاههای کشور پیشرو می باشد.

شورای راهبردی مدیریت سبز دانشگاه با حضور رییس، معاون پشتیبانی و منابع انسانی و جمعی از مدیران و مسئولان دانشگاه، پنجم مهر ماه برگزار شد.

در این نشست دکتر صنیعی رئیس کمیته فرهنگی و آموزشی شورا با اشاره به برگزاری کارگاه آشنایی با مصوبات جهانی در زمینه چرخه‌های سازگار با طبیعت و اکولوژی انسانی که در شهریورماه برگزار شد، اظهار داشت: در این دوره مطالب مفیدی درباره چرخه‌های زیست محیطی، پل خورشیدی، الودگی محیط زیستی، تفکیک زباله، چرخه مواد زائد و به صفر رساندن دورریختنی‌ها عنوان شد که بسیار مورد توجه شرکت کنندگان در کارگاه قرار گرفت.

وی گفت: ما به دنبال بحث‌های انگیزشی در زمینه کارگاه‌های مرتبط با مدیریت سبز هستیم و باید با در نظر گرفتن امتیازهایی برای افراد شرکت کننده در این کارگاه‌ها، درصد جذب حداکثری کارمندان و کارشناسان دانشگاه در این زمینه باشیم.

وی افزود: در اردوهای که از سوی معاونت

دریافت لوح تقدیر انجمن بین المللی باغبانی توسط دکتر ارزانی

شد.

به منظور توسعه همکاری های بین المللی از طریق برگزاری کنفرانس های بین المللی که با همکاری انجمن بین المللی علوم باغبانی و منطبق با استانداردهای جهانی برگزار می گردد، مدال انجمن بین المللی علوم باغبانی بعنوان نماد تقدیر و تشکر از تلاش های دبیر کنفرانس از طرف نماینده رسمی ISHS در جلسه افتتاحیه به دبیر اهدا می گردد که در اولین کنفرانس بین المللی علوم باغبانی این لوح و تقدیرنامه از طرف پرفسور سیلوانا نیکولا به دکتر ارزانی مدیر گروه علوم باغبانی دانشگاه و دبیر IrHC2017 اهدا گردید.

گفتنی است بخش بین الملل IrHC2017 نتیجه پیشنهاد اولیه و پیگیری های مستمر مدیر گروه علوم باغبانی دانشگاه و نایب رییس انجمن علوم باغبانی ایران با ISHS می باشد که از طرف دانشگاه تربیت مدرس و با مشارکت انجمن علوم باغبانی ایران، انجمن بین المللی علوم باغبانی و معاونت باغبانی وزارت جهاد کشاورزی و همکاری جامعه باغبانی کشور از ۱۳ تا ۱۶ شهریورماه در دانشگاه برگزار گردید که تاکنون اثرات مثبتی را در بعد ملی و بین المللی به همراه داشته است.



مدال و لوح تقدیر انجمن بین المللی باغبانی (ISHS) به دکتر کاظم ارزانی، مدیر گروه علوم باغبانی دانشکده کشاورزی، اهدا شد.

در مراسم افتتاحیه ی نخستین کنفرانس بین المللی و دهمین کنگره ملی علوم باغبانی ایران «(IrHC2017)» که از تاریخ ۱۳ تا ۱۶ شهریور ماه ۱۳۹۶ با حضور بیش از ۷۰۰ شرکت کننده از ایران و ۲۲ کشور جهان در سالن شهید چمران دانشگاه تربیت برگزار گردید، مدال و لوح تقدیر انجمن بین المللی باغبانی (ISHS) از طرف پرفسور سیلوانا نیکولا به نمایندگی از این انجمن، به دکتر کاظم ارزانی، مدیر گروه علوم باغبانی دانشکده کشاورزی، اهدا

جلوه‌های از ظرفیت‌های والای روح انسانی در کربلا و نیاز مراکز علمی



اقیانوس گونه امام در عاشورا و حماسه کربلا چنین جلوه زیبایی را به رخ تاریخ کشید. نه تنها امام حسین (علیه السلام) که معصوم بود چنین حقیقتی را در خود نشان دادند، بلکه همه شهدای کربلا اعم از اولاد حضرت و اصحاب آن بزرگوار نیز چنین بودند. حتی در جریان اسراء، اطفال و کودکان امام نیز اینگونه روحی بزرگ و همت‌هایی وصف‌نشدنی داشتند. امام سجاد (علیه السلام) که جای خود دارد؛ در رأس اسراء حضرت زینب (سلام الله علیها) بود که در محفل ابن زیاد پس از سخن سرزنش امیر او فرمودند: «ما رأیت الا جمیلا» من غیر از زیبایی چیزی ندیدم. نغمه زبیدی و غیر زیبایی در آنجا بود؛ بلکه فرمود غیر از زیبایی چیزی نبود. ایشان در پایان بیان کرد اگر مسلمانان و به ویژه ما شیعیان در کنار درس‌ها و آموزه‌های بی شمار حماسه نینوا، این درس بزرگ را بیاموزیم، بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلات اخلاقی و اجتماعی ما بر طرف خواهد شد و این چیزی است که اتفاقا مجامع علمی و دانشگاهی هرچه بیشتر باید در آن تامل کنند و از آن در مسیر و حرکت علمی خود بهره بگیرند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر فلاح رفیع در ابتدای جلسه شورای دانشگاه ضمن تسلیت ایام سوگواری حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و یاران با وفایش، موضوع سخن خود را آموزه‌های متعدد عاشورا قرار داد و گفت: آموزه‌های عاشورا در ابعاد مختلف از قبیل سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، عرفانی و هنری می‌باشد که همه آنها سرشار از حکمت است. وی سپس افزود: یکی از آموزه‌های عاشورا اثبات ظرفیت والای روح انسانی است.

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس ضمن بیان مثالی در این زمینه اشاره کرد: روح برخی از ما انسان‌ها اقیانوس گونه است، برخی دریاگونه، برخی برکه و استخرگونه است تا می‌رسیم به روحی به وسعت یک لیوان. وی در ادامه گفت: روح امام حسین (علیه السلام) روحی اقیانوس گونه بود که اگر پاره‌سنگ‌های چند تنی را نیز در آن بریزند هیچ تلاطمی در آن ایجاد نمی‌شود. روحی که بزرگترین مصیبت‌ها را تحمل می‌کند و خم به ابرو نمی‌آورد، شکوه‌ای به درگاه الهی نمی‌کند، بلکه جز شکر و حمد الهی ندارد. روح

مراسم نوحه سرایی و سینه زنی هیئت عزاداری دانشگاه تربیت مدرس



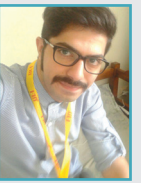
خیابان‌های اطراف آغاز کردند.

عزاداران در طول مسیر ضمن عزاداری و سینه زنی و عرض ارادت به ساحت پاک و مقدس شهدای کربلا توسط نذردهندگان حسینی مورد استقبال و پذیرایی قرار گرفتند. در ادامه نیز دانشگاهیان با بازگشت به محوطه مسجد قدس دانشگاه با سینه زنی و نوحه سرایی حال و هوایی عاشورایی به مراسم بخشیدند. پایان بخش این حرکت عاشورائی و معنوی، اقامه نماز جماعت و پذیرایی بر سر سفره اباعبدالله الحسین (علیه السلام) بود.

مطابق سنوالت گذشته امسال نیز در روز پنجم محرم مصادف با سه شنبه ۴ مهرماه مراسم نوحه سرایی و سینه زنی هیئت عزاداری دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد.

مطابق سنوالت گذشته امسال نیز در روز پنجم محرم مصادف با سه شنبه ۴ مهرماه دوستداران اهل بیت (علیهم السلام) و عاشقان سید و سالار شهیدان اباعبدالله الحسین (علیه السلام) یک بار دیگر در مقبره شهدای گمنام گرد هم آمدند و در حرکت خود را خارج از دانشگاه و در

نقش دستان معمار بر رج‌های مرمر



گپ



مسعود ساسانیان

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی شیمی دانشگاه تربیت مدرس



پروفسور محمدرضا پورجعفر در سال ۱۳۳۴ متولد شد. وی ضمن تحصیل در رشته ریاضی، تجربیات خوبی در زمینه‌ی طراحی و نقاشی کسب نمود. او در سال ۱۳۶۲ موفق به دریافت مدرک کارشناسی ممتاز مهندسی معماری از دانشکده معماری چندبگیر (C.C.A)، مدال طلای دانشکده معماری چندبگیر، مدال دانشگاه پنجاب و مدال انجمن مهندسیین هند، همراه با عضویت افتخاری این انجمن گردید. سپس در سال ۱۳۶۵ مدرک کارشناسی ارشد طراحی شهری را از دانشکده معماری و شهرسازی دهلی (S.P.A.) و مدرک دکتری شهرسازی را در سال ۱۳۷۱ از دانشگاه رورکی هندوستان (I.I.T) دریافت نمود. وی نخست به تدریس در دانشکده معماری هنرهای زیبای دانشگاه تهران و سپس دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس پرداخت. ایشان طی سال‌های گذشته سمت معاونت پژوهشی، ریاست دانشکده و مدیریت گروه شهرسازی را عهده‌دار بوده است. ایشان در زمینه نظریه‌پردازی صاحب کرسی و از طلایه‌داران علم در گروه هنر و معماری می‌باشند. بیش از ۳۰۰ مقاله در زمینه هنر، معماری و شهرسازی از ایشان به چاپ رسیده است. این ویژگی خستگی‌ناپذیری و پشتکار ایشان ما را بر آن داشت تا خدمت ایشان برسیم و با روی باز و گشاده از ما استقبال شد و برای ما مصاحبه‌ی دلنشینی بود و شما را به مطالعه بخش‌هایی از آن دعوت می‌کنیم.

دولت‌ها چگونه می‌توانند با تامین زیر ساخت توسعه‌ی علم و فناوری در دانشگاه به پیشرفت علمی کشور کمک کند؟

دولت‌های هوشیار براساس قابلیت‌هایشان برنامه‌ریزی می‌کنند و سعی می‌کنند نه تنها از قابلیت‌هایشان بلکه از ضعف‌هایشان فرصت ایجاد کنند. ما امروزه نیروی عظیم و هوشمندی در سطح تحصیلات عالی داریم و باید امکانات جذب برای آنان ایجاد کنیم و نه دفع. اما متأسفانه برنامه‌ریزی مناسبی برای این قشر عظیم صورت نپذیرفته است. متأسفانه در حالی که غرب با برنامه و خواسته پلانفورم جذب نیروی انسانی متخصص فراهم نموده ما بی‌برنامه و ناخواسته پلانفورم دفع. بلاشک این موضوع برای داشتن اقتصاد مقاومتی مشکل ایجاد می‌کند.

رهبری در دبدار اخیرشان به حمایت همه جانبه از نخبگان علمی اشاره کردند. این مسئله گویا از دید مسئولان اولویت اصلی نیست. به نظر شما چگونه می‌شود این نگاه را در مسئولان زنده کرد؟

در زمینه‌ی تهیه‌ی برنامه‌ای مناسب برای حمایت از نخبگان تا حدودی ناتوانی‌هایی حس می‌شود. این بی‌برنامگی خود باعث می‌شود تا ناخواسته همان دفع نخبگان ایجاد شود. در حالی که غرب براحتی نیروهای آماده به کار و مستعد ما را جذب می‌کند. ما باید روی پلانفورم جذب و اشتغال نه تنها در عرصه ملی، بلکه در عرصه بین‌المللی به نحوی برنامه‌ریزی کنیم که برای مازاد تحصیل کرده‌هایمان در عرصه بین‌الملل فضای کار پیدا کنیم. از همین طریق با ارسال سفیران علمی

آموزشی تاکید به ارائه‌ی مقاله داشت. پس من هم سخت کار کردم و کار پژوهشی و انتشار مقاله و کتاب را خیلی جدی‌تر گرفتم و اتفاقات خوبی هم در این زمینه افتاد. توانستم مقالات خوبی از مبانی آثار معماری و طراحی و پژوهش‌های انجام شده در مجلات معتبر منتشر کنم. اما در سال ۹۳ معیارهای انتخاب استاد نمونه کشوری جامع‌تر بود. حتی میزان حضور استاد در دانشگاه و امتیازات آموزشی هم در ارزیابی و انتخاب وی بعنوان استاد نمونه تاثیر داشت.

شما سوابق حرفه‌ای زیادی در حوزه‌ی طراحی شهری در شهرهای مختلف ایران و حتی شهرهای هندوستان داشتید. معیارهای ارزشی شما برای انجام این طراحی‌ها چه بوده است؟

من همواره به فرهنگ، ابعاد معنوی و وجدان کاری توجه خاصی داشتم و چون دوران تحصیل من در دوره‌ی مدرنیسم بود، باید در طراحی‌هایمان کار تازه و ابداع و نوآوری قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دادیم. آثار اولیه‌ام را طراحی خانه مسکونی، مساجد و خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو تشکیل می‌دادند. دیگر کارهای بنده طراحی خانه‌ها و مجموعه‌های متعدد در ایران و طراحی‌های پیاده محور با تاکید بر پایداری و ایجاد محیطی مفرح و سبز، همچنین طرح ساماندهی دانشگاه تربیت مدرس، پارک فناوری مدرس، طراحی شهری محیطی رود درآباد و طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها در ایران بودند. برای طراحی دانشگاه تربیت مدرس با توجه به باورهایمان از توصیف فضایی بهشت گونه و آیات قرآن مجید الهام گرفتم و طراحی را انجام دادم.

به خصوص نقاشی داشتم و همیشه در کنار تحصیل دبستان و دبیرستان همواره مشغول به نقاشی و کارهای گرافیکی بودم. به طوری که اندوخته‌هایم را همیشه رنگ می‌خریدم. قصه از آنجا شروع شد که در ابتدایی تحصیل از طرف مدرسه به یک نمایشگاه نقاشی رفتیم و من از مشاهده آثار نقاشی بسیار حیرت زده شدم و ارتباط بسیار خوبی با آن آثار برقرار کردم و آرزو کردم که روزی بتوانم به نحوی آنگونه نقاشی کنم. از آن روز به بعد از هر چیزی رنگ درست می‌کردم و از هر مویی قلم مویی می‌ساختم تا بتوانم احساساتم را به رشته تصویر درآورم. در دوران نوجوانی و جوانی مرا بعنوان نقاش جوان شهر می‌شناختند. در آن دوران برای خودم هم در شهر و هم در دبیرستان آتلیه نقاشی داشتم و با فروش آثار نقاشی درآمدی کسب می‌کردم. تا اینکه با راهنمایی دبیر ریاضی با رشته معماری آشنا شدم و بعد از شناخت این رشته مصمم به تحصیل در این زمینه شدم.

در سال ۸۸ بعنوان پژوهشگر برتر و در سال ۹۳ به عنوان استاد نمونه کشوری معرفی شدید و لوح تقدیر را از رئیس جمهور دریافت کردید. برای انتخاب شما چه معیارهایی لحاظ شده بود؟

همانطور که از عنوانش پیداست برای پژوهشگر برتر، مقالات و معیارهای پژوهشی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. لیکن از آنجایی که هنرمندان دوست دارند با خلق اثر خود را بزنند و انجام وظیفه کنند، بنده هم در ابتدا اینطور عمل کردم که طراحی محوطه کنونی دانشگاه تربیت مدرس نمونه‌ای از این گونه آثارم بشمار می‌آید. لیکن دانشگاه و سیستم

با سلام در ابتدا خودتان را معرفی فرمایید و از سوابق علمی، آموزشی و پژوهشی خود بفرمایید.

سلام، بنده محمدرضا پورجعفر، دارای مدرک دیپلم ریاضی، کارشناسی مهندسی معماری، کارشناسی ارشد و دکترای طراحی شهری هستم. بیشتر تحصیلات من در هندوستان بوده و با هدف آنجا را انتخاب کردم. چون آثار مهم معماران جهانی و مشهوری مثل لوکوربوزیه و همکارانش در آنجا وجود داشت. بنده با هدف آشنایی و یادگیری از تجارب بزرگان معماری آن کشور را برای تحصیل انتخاب نمودم. پس از اتمام دوره کارشناسی ارشد طراحی شهری به ایران آمدم و در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران مشغول به تدریس شدم. برای مقطع دکترا به دلیل سوابق درخشان تحصیلی و اخذ جوایز ارزنده در طول تحصیل در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد، به بنده بورس برای ادامه تحصیل تعلق گرفت و برای دکترا باز هم راهی هند شدم.

دلیل و انگیزه ورود شما به رشته‌ی هنر چه چیزهایی بوده است؟

از کودکی علاقه بسیار زیادی به هنر

اخلاقی، اجتماعی و علمی هنری را بنیان نهادیم که به خودی خود مکتبی قابل توجه است.

راز موفقیت و همت زیاد خود را در چه چیزهایی می‌دانید و توصیه شما به تمامی دانشجویان کشور چیست؟

من در دوران نوجوانی همیشه دوست داشتم در مسابقات هنری اول بشوم. اما نمی‌شد. لکن روزی تصمیم گرفتم اگر اول نشوم و بهترین نباشم، می‌توانم پرکارترین باشم و تلاشم را افزون کنم. سپس طوری شد که در زمان دانشجویی‌ام در هند میان آن همه شرکت کننده توانستم در مسابقه‌ی طراحی در دانشگاه اول بشوم. رمز موفقیت من تلاش کردن بود. و این خود موجب کار نیکو کردن شد که از پر کردن بود و این شعار رمز موفقیت من شد.

در انتها از زمانی که برای این مصاحبه گذاشتید تشکر می‌کنم و اگر صحبتی دارید بفرمایید؟

باید امیدوار باشید. از همه‌ی امکانات و قابلیت‌ها و حتی ضعف‌ها و سختی‌ها فرصت بسازیم. در عرصه‌ی بین‌المللی برای ارتقا و تجلی ایران عزیز گام برداریم و برای کشورمان چهره‌ای به مراتب درخشان‌تر از حال حاضر، در عرصه‌ی جهانی بسازیم و در پیمودن این راه باید همواره به خداوند بزرگ توکل کنیم.

باید نمونه ارزنده‌ای از معماری در دیگر کشورها باشد. شرح خدمات جامعی هم برای این طرح‌ها تهیه و به خوبی روی آن کار کردم. در سال ۶۸ خدمت یکی از مهندسين معروف رفتیم. موضوع را با ایشان مطرح کردم. ایشان گفتند اینجا نمی‌شود مسابقات معماری را انجام داد. من یک تیمی را می‌شناسم کار را به آنها می‌دهیم و انجام می‌دهند. این تفکر اشتباه بود. ما باید به هنرمندان و معماران جوان کشور میدان می‌دادیم. از جمله کارهای که بنده در این زمینه انجام دادم، ایجاد فضای رقابت برای مسابقه سردر ورودی اصلی دانشگاه تربیت مدرس بود. در این مسابقه اثر معماری تحصیل کرده دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس بنام آقای مهندس عابدی انتخاب و اجرا شد که از آثار ارزنده معماری دوران کنونی محسوب می‌شود.

سطح دانشجویان تربیت مدرس را چگونه می‌بینید؟

الان خیلی خوب است. از دهه هفتاد شروع کردیم و ظرف این مدت با این بضاعت و امکانات و سختی‌ها که خود بنده افتخار به دوش کشیدن بخشی از آن سختی‌ها را داشتم حالا به جایی رسیدیم که دانشجویهای ما سرشان بالا است و تا حدودی حرف اول را می‌زنند و خیلی‌ها هستند که به اینجا مراجعه می‌کنند تا از کلاس‌های ما استفاده کنند و یا با ما کار کنند. الحمد... ما در اینجا محیطی

من همواره به فرهنگ، ابعاد معنوی و وجدان کاری توجه خاصی داشتم و چون دوران تحصیل من در دوره‌ی مدرنیسم بود، باید در طراحی‌هایمان کار تازه و ابداع و نوآوری قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دادیم. آثار اولیه‌ام را طراحی خانه مسکونی، مساجد و خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی نو تشکیل می‌دادند. دیگر کارهای بنده طراحی خانه‌ها و مجموعه‌های متعدد در ایران و طراحی‌های پیاده محور با تاکید بر پایداری و ایجاد محیطی مفرح و سبز، همچنین طرح ساماندهی دانشگاه تربیت مدرس، پارک فناوری مدرس، طراحی شهری محیطی رود درآباد و طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها در ایران بودند. برای طراحی دانشگاه تربیت مدرس با توجه به باورهایمان از توصیف فضایی بهشت گونه و آیات قرآن مجید الهام گرفتیم و طراحی را انجام دادیم.

که متأسفانه بخوبی به نتیجه نرسید. ولی برای این موضوع تلاش می‌کنیم.

جایگاه هنر معماری در ایران نسبت به جهان در چه سطحی است؟

جایگاه آثار هنر و معماری ایران در دوره‌ی اسلامی بسیار ارزنده است. برخی از آثار هنرمندان و معماران قبل از انقلاب هم قابل ملاحظه است. بعد از آن متأسفانه ما این جایگاه را خوب حفظ نکردیم. به عنوان مثال وقتی که من از هندوستان برگشتم گفتم که طرح‌های خانه‌های فرهنگ ما

و با برنامه‌ریزی می‌توانیم درآمدی هم جذب کشور کنیم.

آقای دکتر به لحاظ علمی به چه زمینه‌هایی علاقه‌مندید؟ و بفرمایید از چه زمانی به دانشگاه تربیت مدرس آمده‌اید و فضای دانشگاه تربیت مدرس را با سایر مراکز علمی پژوهشی که تجربه کردید چطور مقایسه می‌کنید؟

بنده به هنر بطور عام و معماری و طراحی شهری بصورت خاص علاقمند هستم. از سال ۱۳۷۰ وارد دانشگاه تربیت مدرس شدم و قبل از آن هم در هنرهای زیبا مشغول بودم. نرخ رشد علمی دانشگاه تربیت مدرس با توجه به جوان بودن آن نسبت به سایر دانشگاه‌ها بسیار قابل ملاحظه و تحسین برانگیز است.

در ایران به طراحی شهری چه میزان بها داده می‌شود؟

بسیار کم. متأسفانه آن جور که باید و شاید هنوز خوب شناخته نشده است. در شرح خدمات طراحی جامع و تفصیلی جایگاه طراحی شهری به خوبی جانگرفته است. البته فارغ‌التحصیل‌های خوبی داریم ولی بستر کار هنوز بخوبی ایجاد نشده که از آنها به نحو احسن استفاده شود. ما هم با بعضی از ارگان‌های مرتبط برای انجام فعالیت و فراهم کردن زیر ساخت‌های کاری صحبت‌هایی کردیم

ره صد ساله

زندگی شغلی هر فرد دوره‌هایی وجود دارد که او نسبت به شرایط کاری خود اطمینان ندارد یا در مورد درستی کاری که انجام می‌دهد تردید می‌کند. در آن زمان تقویت مهارت‌های فردی به خصوص تقویت اعتماد به نفس می‌تواند زمینه ساز بهبود شرایط زندگی افراد و بهبود اوضاع کاری آنها شود؛

۱۰- مهارت تحلیل و تحقیق: حس کنجکاوی و وجود انگیزه در جمع آوری اطلاعات صحیح را می‌توان اصلی‌ترین وجه تمایز افراد موفق از دیگران دانست. آنها توانایی و علاقه کافی برای جمع‌آوری اطلاعات دارند و می‌توانند اطلاعات آوری شده را به بهترین شکل تحلیل جمع کنند؛

بهرتر با همکاران یا مسئول اجرای پروژه اهمیت دارد و در زندگی فردی منجر به داشتن رابطه‌ی خانوادگی و دوستانه‌ی گرمتری می‌شود؛

۸- مهارت ایجاد تعادل: تعادل در زندگی همه، اهمیت دارد ولی برای افراد موفق با پیچیدگی‌های شغلی زیاد، این تعادل بین زندگی شغلی و فردی عامل مهمتری است و باعث کاهش استرس و افزایش قدرت تصمیم‌گیری در شرایط سخت و پر استرس است؛

۹- مهارت افزایش اعتمادبه‌نفس: در

دیگر هم اطمینان دهند کاری که می‌کنند درست است و آنها را به هدف می‌رساند؛

۳- تقویت مهارت‌های ارتباطی: در تمامی مشاغل و در تمامی رده‌های شغلی، مهارت‌های ارتباطی در موفقیت انسان اهمیت زیادی دارد و به او کمک می‌کند تا اطلاعات بیشتری در زمینه‌ی کار یا مسائل مرتبط با آن بدست آورد و از این اطلاعات در پیشرفت کار بهره گیرد؛

۴- مهارت درک احساسات: درک احساسات دیگران یکی از مهمترین بخش‌های ارتباطی افراد موفق با دیگران است زیرا با درک درست احساسات دیگران است که انسان می‌تواند به آنها نزدیک شود و روی آنها تاثیر بگذارد؛

۵- مهارت تفکر در شرایط بحرانی: بخش در شرایط تفکر درست و نتیجه سخت و بحرانی به افراد کمک می‌کند تا مشکلاتشان را حل کنند و در حل مشکل از روش‌های نوآورانه و کارآمد بهره ببرند؛

۶- مهارت تمرکز بر روی موضوع: افراد موفق روی موضوعات کاری خود متمرکز می‌شوند و از تفکر پراکنده و بی‌هدف پرهیز می‌کنند. این قدرت به آنها امکان می‌دهد تا بتوانند اهداف بلند خود را دنبال کنند؛

۷- مهارت‌های کار گروهی: داشتن این مهارت هم در موفقیت شغلی و هم در موفقیت زندگی فردی اهمیت دارد. در محیط کاری این مهارت بر داشتن رابطه‌ای

شکوف



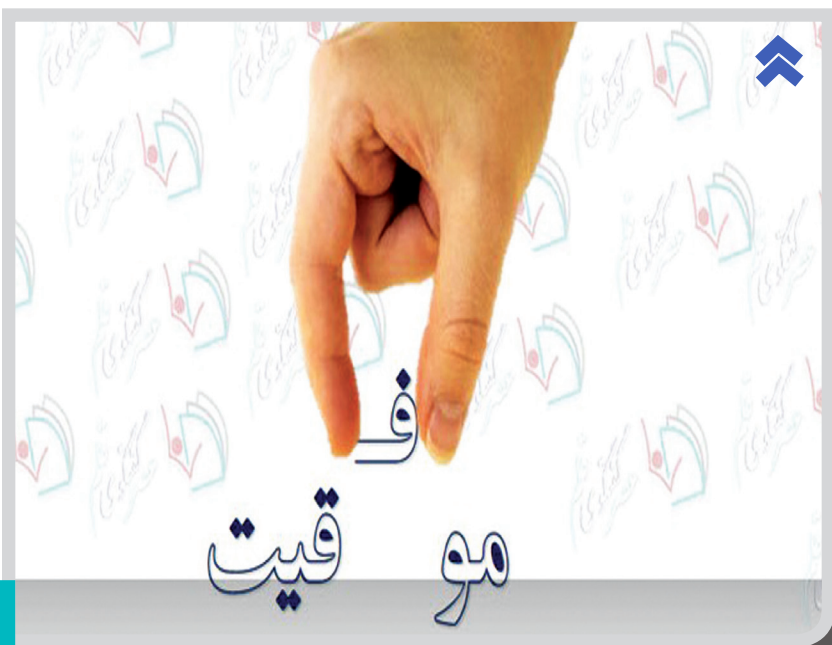
فرشته ناظمی

دانشجوی دکتری مهندسی شیمی دانشگاه تربیت مدرس

موفقیت تنها یک جنبه ندارد بلکه جنبه‌ها و ابعاد مختلفی دارد. موفقیت شغلی بدون موفق شدن در زندگی خصوصی ارزش چندانی ندارد و موفقیت در زندگی خصوصی هم تا اندازه زیادی به رضایت شغلی و موفقیت در کاری که انجام می‌دهید بستگی دارد. حال این سوال ایجاد می‌شود که چگونه می‌توان یک موفقیت همه جانبه را در زندگی تجربه کرد؟ افراد موفق ده مهارت دارند، مهارت‌هایی که باعث می‌شود تا بیشتر از قبل به سمت موفقیت‌های بزرگ بروند و مشکلات موجود در مسیر پیشرفت شغلی و زندگی خود را ساده‌تر برطرف کنند این ده مهارت عبارتند از:

۱- مهارت‌های سازمانی: داشتن مهارت‌های سازمانی برای افراد موفق اهمیت زیادی دارد زیرا باعث افزایش مسئولیت‌پذیری آنها می‌شود و تضمین می‌کند که این افراد قابل اعتمادتری می‌شوند.

۲- مهارت‌های مذاکره: افراد موفق می‌توانند دیگران را به درستی و بدون استفاده از روش‌های منفی از قبیل ایجاد ریس یا تهدید متقاعد کنند. آنها به کار و حرفه‌شان اعتماد دارند و می‌توانند به افراد





آزیتا ظهیری

دانشجوی دکترای بهداشت و ارتقای سلامت دانشگاه تربیت مدرس

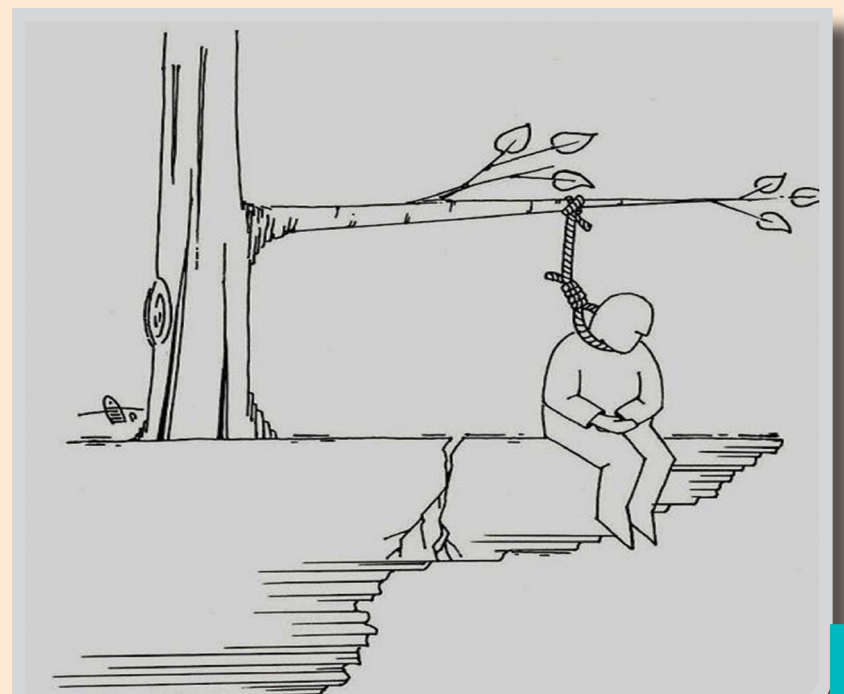
مقدمه

زندگی جنبه‌های مثبت و منفی بسیاری دارد؛ رضایت خاطر، آرامش، موفقیت، خلاقیت، شادی، بخشی از آن نیز بی‌روح، تکراری، کسل‌کننده، یکنواخت و در حادترین و دشوارترین شرایط مملو از تجارب دردآور، تاسف بار، اندوهناک، اضطراب آور و ناراحت‌کننده است. در اغلب موارد تمایل به خودکشی زمانی به اوج خود می‌رسد که هیجانات و عواطف منفی زندگی فرد شدت می‌یابند و مرتب او را آزرده و ناامید می‌کنند.

طبق آمار سازمان بهداشت جهانی در هر ۴۰ ثانیه یک نفر در جهان خودکشی می‌کند. بیشترین آمار خودکشی متعلق به چین و روسیه است. سالانه ۲۰ تا ۶۰ میلیون نفر در جهان دست به خودکشی می‌زنند اما تنها یک میلیون نفر از آنها در اقدام خود موفق می‌شوند. خودکشی رفتار و پدیده‌ای ضداجتماعی است که معمولاً در پی فشارهای اجتماعی و خانوادگی شکل می‌گیرد.

روز جهانی پیشگیری از خودکشی

هر سال در تاریخ دهم سپتامبر به مناسبت «روز جهانی پیشگیری از خودکشی» و به منظور افزایش اطلاع‌رسانی در زمینه اقدامات پیشگیرانه ضروری با هدف کاهش نرخ قربانیان خودکشی در سراسر جهان، مراسم ویژه‌ای در کشورهای مختلف برگزار می‌شود. برگزاری مراسم روز جهانی پیشگیری از خودکشی به سازمان‌ها، آژانس‌های دولتی و افراد این فرصت را می‌دهد تا سطح آگاهی‌های خود را در مورد خودکشی، بیماری‌های ذهنی مرتبط با خودکشی و پیشگیری از خودکشی افزایش دهند.



Suicide

روز جهانی مبارزه با خودکشی

هدف از خودکشی

اکثر افرادی که اقدام به خودکشی می‌کنند به دنبال هدفی مشترک هستند که مهمترین آنها عبارتند از:

الف) حل بحران: خودکشی عملی است که به منظور رها شدن از مشکل و بن بست که برای فرد به صورت بحران غیرقابل تحملی درآمده است، جلوه‌گر می‌شود. به عبارت دیگر، فرد خودکشی را تنها راه حل ممکن برای نجات از سردرگمی و پریشانی خود می‌بیند.

ب) فشارهای روانی: در بعضی موارد نیازها، خواسته‌ها و آرزوهای برآورده نشده چنان تاثیری عمیق بر افکار و اذهان افراد ناامید و مستاصل می‌گذارد که او را به سمت و سوی خودکشی می‌کشاند. تمام اقدامات منجر به خودکشی حاصل و انعکاسی از

یک نیاز روان‌شناختی ناکام مانده است.

ج) احساس ناامیدی و درماندگی: اغلب افرادی که شدیداً خودشان را در برابر ناملایمات و هیجانات منفی زندگی‌شان ناتوان و درمانده احساس می‌کنند و تصور می‌کنند مشکلاتشان هیچ‌گاه حل نمی‌شود، دچار افکار آشفته و پریشانی می‌شوند که گاه آنها را به سوی آسیب رساندن به خودشان می‌کشاند.

د) عدم توانایی در تحمل درد و رنج: معمولاً افرادی که درصدد خودکشی هستند، تحمل درد و رنج بیشتر را در خود حس نمی‌کنند. آنها سعی می‌کنند با خودکشی کردن از شرایط غیرقابل تحمل زندگی فرار کنند. خودکشی برای آنها یعنی فرار از هیجانات غیرقابل تحمل و شرایط دردناک زندگی. برای آنها پذیرش درد و ناملایمات زندگی دیگر جایی در ذهن و فکر و توانشان ندارد.

علائم اقدام به خودکشی

اغلب جوانانی که خودکشی می‌کنند معمولاً از خودکشی حرف می‌زنند. ولی اغلب کسانی که درباره‌ی خودکشی صحبت می‌کنند الزاماً خودکشی نمی‌کنند. مهمترین و مشترک‌ترین علامت خودکشی، افسردگی است. به عبارتی افراد قبل از اقدام به خودکشی یک دوره افسردگی حاد یا مزمن را پشت سر می‌گذارند و چنانچه اطرافیان و اعضای خانواده نتوانند موقعیت روحی - روانی او را خوب تشخیص دهند و او را برای معاینات پزشکی نزد متخصصان نبرند فکر از بین بردن خود فرد را تهدید می‌کند. علائم هشداردهنده افسردگی در بین جوانان عبارتند از:

۱- احساس غمگینی، بی‌حالی و پریشانی مفرط

۲- افت تحصیلی و کاهش فعالیت‌های آموزشی

۳- نداشتن فعالیت جسمانی و بی‌حرکی

۴- فقدان احساس لذت

۵- اختلالات مربوط به خواب (پرخوابی، خواب آلودگی، بی‌خوابی)

۶- اختلالات مربوط به خوردن (بی‌اشتهایی، پرخوری)

۷- کاهش علاقه نسبت به فعالیت‌های گوناگون (حتی فعالیت‌های خوشایندی که سابقاً از انجام آنها لذت می‌برده است)

انتخاب با ماست ... از غصه این که در این دنیا هیچ جایی نداریم تصمیم

به خاتمه دادن به زندگی بگیریم، یا با قدرت بجنگیم و در هر جای این

دنیا جایی برای خود خلق کنیم ... مثل بزرگانی که پس از بارها شکست

بزرگ شدند، یا افرادی که دیگر هیچ کس حتی عزیزانشان نیز آنان را به

سختی به خاطر می‌آورند،

انتخاب با ماست...

منابع

۱- انستیتو روانپزشکی تهران - مرکز تحقیقات بهداشت تهران (بخش روانپزشکی اجتماعی)
۲- پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی پیشگیری از خودکشی

۳- سایت اخبار روانشناسی سایک نیوز

سلول‌های بنیادی؛ دیروز، امروز، فردا



سامان اسماعیل نژاد

دانشجوی دکترای فیزیولوژی
پزشکی دانشگاه تربیت مدرس

کاهش



فردا جنین‌ها که مشکلات اخلاقی داشت، کمتر شد. این پژوهش جایزه نوبل را برای این دو دانشمند در سال ۲۰۱۲ به ارمغان آورد. در سال ۲۰۰۷ نوبل فیزیولوژی و پزشکی به کاپکی، ایوانس و اسمیتز به خاطر پژوهش‌های گران قدرشان در حوزه سلول‌های بنیادی تعلق گرفت. در همین سال آتالا عنوان کرد که نوع جدیدی از سلول بنیادی از مایع آمنیوتیک (مایع موجود در اطراف جنین در رحم مادر) کشف کرده است که می‌تواند جایگزین سلول‌های بنیادی جنینی باشد. در سال ۲۰۰۸ ماچایرینی با استفاده از این سلول‌ها یک نای مصنوعی تولید کرد که به صورت موفقیت‌آمیزی به یک زن کم‌لبیایی پیوند زده شد.

امروز

در چند سال اخیر از سلول‌های بنیادی استفاده‌های گسترده‌تری شده است. امروزه تحقیقات بسیاری در مورد پیوند انواع مختلف سلول‌های بنیادی به بخش‌های مختلف بدن مانند قلب برای درمان سکته‌های قلبی، لوزالمعده برای درمان دیابت، مغز برای درمان بیماری‌های تحلیل برنده‌ی عصبی مانند پارکینسون و ام‌اس و ... در جریان است. همچنین استفاده از سلول‌های بنیادی انسان برای ساخت اعضای بدن در محیط آزمایشگاهی و یا در بدن موجودات دیگر نیز از گزینه‌هایی است که در حال توسعه است. تحقیقات گسترده‌ای درباره سلول‌های بنیادی سرطانی برای مهار این نوع از سلول‌ها و پیشگیری و درمان سرطان نیز در حال انجام است و از موضوعات مورد توجه در تحقیقات سلول‌های بنیادی به شمار می‌رود.

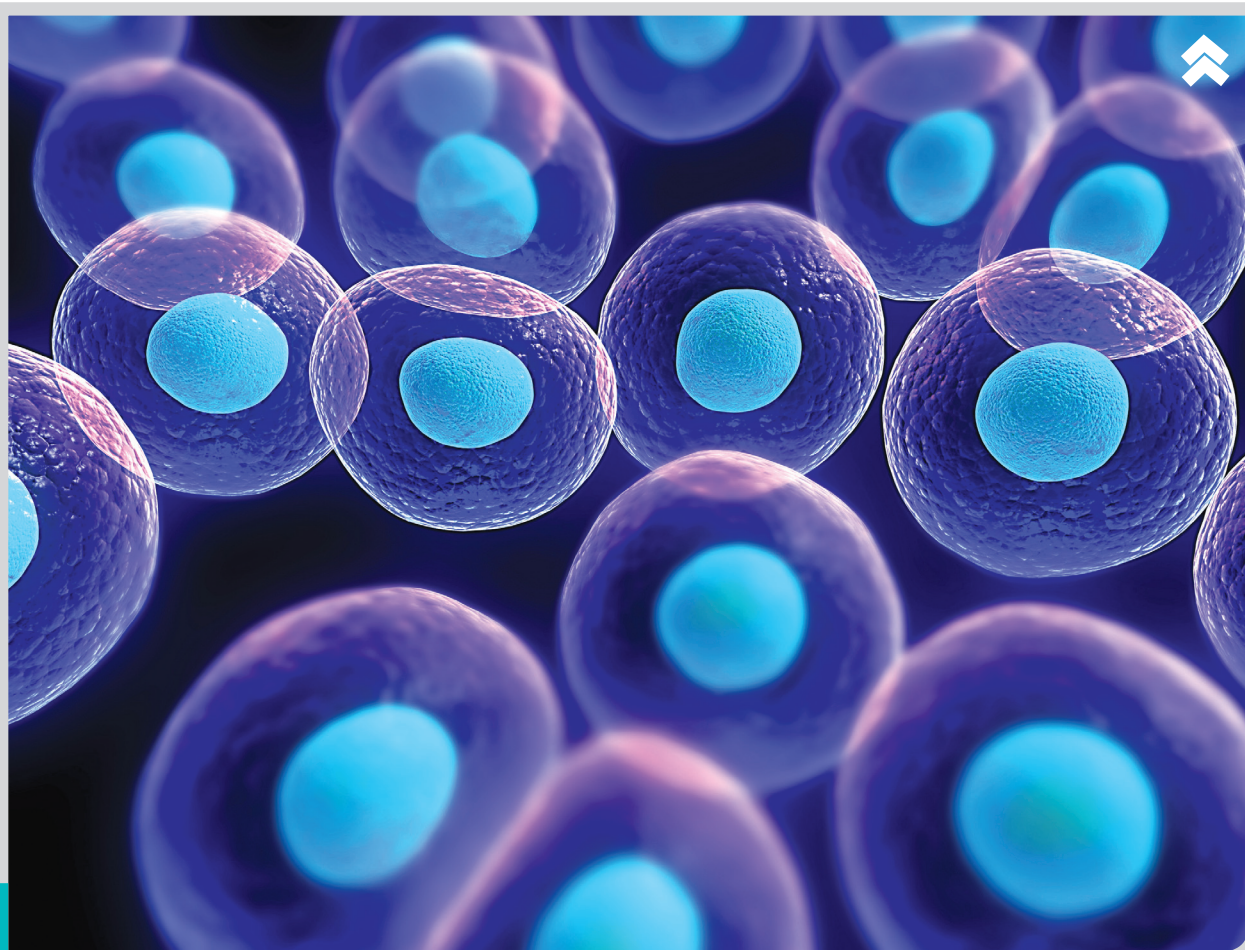
بنیادی در تمام بافت‌های بدن بزرگسالان به جز بافت قلب و عصبی وجود دارند اما در همان سال‌های دهه‌ی ۶۰ محققانی با نام‌های آلتمن و داس نشان دادند که در بافت عصبی نیز سلول‌های بنیادی وجود دارند و این باور قبلی را به چالش کشید. در سال ۱۹۷۸ سلول‌های بنیادی در بند ناف نوزادان کشف شد و در سال ۱۹۸۱ سلول‌های بنیادی از موش‌های آزمایشگاهی استخراج شدند. جداسازی سلول‌های بنیادی موفقیت چشمگیری در این حوزه به شمار می‌آید. در سال ۱۹۸۸ "سلول‌های بنیادی جنینی" (Embryonic Stem Cells یا ESC) نیز از همسترها استخراج شدند و در ۱۹۹۵ این کار در یک موجود پرمات (گونه‌های جانداران نزدیک به انسان) انجام شد. در سال ۱۹۹۷ اولین موجود همانندسازی شده که بره‌ای به نام دالی بود تولید شد و در همین سال با کشف سلول‌های بنیادی سرطانی، علت ایجاد سرطان به سلول‌های بنیادی نسبت داده شد. در سال ۱۹۹۸ سلول بنیادی جنینی انسانی نیز جداسازی شد و در سال ۲۰۰۳ از این سلول‌ها برای ساخت دندان، البته به صورت آزمایشگاهی، استفاده شد. در سال ۲۰۰۵ پژوهشگران توانستند از سلول‌های بنیادی عصبی برای بازگرداندن توانایی حرکتی به موش‌های فلج استفاده کنند.

پژوهش متحول‌کننده‌ی دیگری در سال ۲۰۰۶ انجام شد که طی آن تاکاهاشی و یاماناکا توانستند طی فرایند بازبرنامه‌ریزی (Reprogramming) سلول‌های بنیادی پرتوان القایی (induced Pluripotent Stem Cells یا iPSCs) را از سلول‌های عادی بدن ایجاد کنند که با این کار نیاز استفاده از سلول‌های بنیادی گرفته‌شده از

وقتی عبارت سلول‌های بنیادی را می‌شنویم مجموعه‌ای از امیدها، هیجان‌ها و همچنین چالش‌ها، بحث‌ها و سوالات فراوان به ذهن ما، به‌عنوان یک پژوهشگر و یا عامه‌ی مردم، متبادر می‌شود. سلول‌های بنیادی تاریخچه‌ی جالبی دارند که بیان کردن آن به‌عنوان یک مقاله‌ی قابل‌فهم خالی از لطف نیست. در سطور بعدی تاریخچه‌ی کوتاه از سلول‌های بنیادی و پژوهش‌های مربوط به آن و اینکه هم‌اکنون کجا هستیم و رو به چه سمت و سویی داریم ذکر می‌شود که امیدوارم برای خواننده مفید و قابل‌استفاده باشد:

دیروز

در اواسط قرن هفدهم محققان زیست‌شناسی متوجه شدند که کوچک‌ترین واحد اصلی و پایه‌ای برای ایجاد هر موجود زنده‌ای، سلول است به‌بیان‌دیگر کوچک‌ترین موجود که با تعاریف موجود دارای حیات و زندگی است و می‌تواند همانند خود را بسازد، همان سلول است. در اوایل دهه‌ی اول قرن هجدهم واژه‌ی سلول بنیادی (Stem Cell) برای اولین بار توسط یک دانشمند روسی با نام الکساندر ماکسیموف مطرح شد. این دانشمند که به تولید مداوم سلول‌های خونی یا همان گلبول‌ها پی برده بود عنوان کرد که سلول‌هایی در بدن وجود دارند که وظیفه‌ی تولید مستمر سلول جدید در بدن را بر عهده دارند و آنها را بنیادی یا ریشه‌ای نامید. در همین سال‌ها نیز تلاش‌هایی برای لقاح سلول تخمک پستانداران در خارج از بدن انجام شد و پایه‌های دانش امروزی ما از سلول‌های بنیادی گذاشته شدند. ماکسیموف بعد از سال‌ها تحقیق و پژوهش در سال ۱۹۲۴ توانست سلول‌های بنیادی فرضی خود را در بافت مزانشیم شناسایی کرده و عنوان سلول‌های بنیادی مزانشیمی را به آن‌ها اطلاق کرد. سلول‌های بنیادی مزانشیمی همان سلول‌های موجود در مغز استخوان هستند که تکثیر شده و سلول‌های خونی را می‌سازند. اولین استفاده‌های بالینی و درمانی از سلول‌های بنیادی در اواخر دهه‌ی ۵۰ و اوایل دهه‌ی ۶۰ میلادی در قرن پیش انجام شد. در این زمان دانشمندانی مانند دونالد تامسون، که به خاطر پژوهش‌های ارزشمندش در سال ۱۹۹۰ جایزه نوبل پزشکی را از آن خود کرد، تلاش‌های خستگی‌ناپذیری را برای بیماران مبتلا به مشکلات خونی علاج‌ناپذیر از جمله سرطان خون و مشکلات ایمنی انجام دادند که با موفقیت همراه بود. در طول این سال‌ها با توجه به تحقیقات انجام شده در سال‌های پیش به صورت پی‌درپی فرضیه‌هایی منتشر می‌شد که عنوان می‌کرد سلول‌های



اگر بتوان آینده‌ی سلول‌های بنیادی را با یک عبارت توصیف کرد آن عبارت "پزشکی ترمیمی شخصی" (Personalized Regenerative Medicine) است. بدین معنا که در آینده‌ی نه‌چندان دور استفاده‌ی عمومی از داروها و ترکیبات شیمیایی ملغی شده و درمان هر شخص به‌صورت کاملاً تخصصی روی همان فرد انجام می‌شود. به‌عبارت‌دیگر ما انسان‌ها اگرچه از نظر جسمی بسیار شبیه هم هستیم و بیماری‌هایی که به آن مبتلا می‌شویم نیز شباهت نسبی باهم دارند اما این شباهت ۱۰۰ درصد نیست و این امر باید در درمان بیماری‌ها لحاظ شود. پزشکی ترمیمی شخصی قصد دارد تا با استفاده از سلول‌های بنیادی گرفته‌شده از خود شخص مانند سلول‌های بنیادی القایی، اختلالات به وجود آمده در بدن بیماران را درمان کند. در این روش سلول‌های آسیب‌دیده‌ی بدن در اثر بیماری‌های مختلف به‌وسیله‌ی سلول‌های جدید تولیدشده از خود آن فرد جایگزین شده و بیماری درمان می‌شود.

در انتها باید ذکر شود که اگرچه دانش سلول‌های بنیادی بسیار موردتوجه است و کاربردهای زیادی را می‌توان برای آن متصور بود اما در مسیر استفاده از این دانش هنوز در ابتدای راهی پرپیچ‌وخم و دشوار هستیم، بنابراین انتظارات ما از این حوزه‌ی تحقیقاتی و درمانی باید واقع‌بینانه و به‌دوراز توقعات افراطی باشد.

تابستان خود را چگونه گذرانید؟ (چگونه گذراندند؟)!

خوشی



حامد خالدی

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی
معدن دانشگاه تربیت مدرس

لباس بهم داد و یه سطل گفت برو شروع کن بچین! دو روزم که اینجوری گذشت. وقتی برگشتم خونه از خستگی فقط دو سه روز استراحت کردم. ظهر چهارشنبه بود که قرار بود هفته بعد شنبه تهران باشم، خواهرم زنگ زد گفت داداشی چرا نمای شهر ما، خونه ما، یه سری به خواهرت بزنی دلمون تنگ شده واست (از احساسات مننه ساده سواستفاده کردن). پاشدم رفتم خونشون. یکم حال و احوال کردیمو بگو بخند، بعد گفتم چه خبر؟! می‌خواستین خونه بخرین چی شد، خواهرم گفت: ایول خوب شد یادم انداختی، راستی یه خونه رهن کردیم فردا اسباب کشیه؟! دیوار نزدیکم نبود سرمو بکوبم. خلاصه یه اسبابی کشیدیم و تموم شد. بعدشم مارو راهی کردن تهران. همین که رسیدیم دانشگاه، به رسم احترام گفتم برم حال استاد رو بپرسم که به محض اینکه منو دید همه چی براش جون تازه گرفت (مقاله، پایان‌نامه، پروژه و...) و بهم گفت، آقای خالدی دیگه رفتی تفریحتو کردی و استراحتتو کردی و حسابی خوشگذروندی (منظورش مهندسی و چیدن سیب و اسباب کشی بود، آخه خودشم مسافرت خارج از کشور رفته بود تفریح‌های مارم اونجوری در نظر می‌گیره، کافر همه را به کیش خود پندارد!) و ادامه ماجرا... و الانم که دارم این انشاء رو می‌نویسم، دارم پروپوزال پایان‌نامه‌مو می‌نویسم، یه مقاله سفارشیم برای استاد و ادامه زندگی دانشجویی تو شهر یو ماه. همه چی اروم من چقد خوشحالم... این بود انشاء من....

بالام (همون پسر مهندس به زبون ترکی) واسه چیه پس (الان فهمیدم اون پسر مهندس گفتنای مامانم بی‌طمع نبوده). خلاصه یه هفته که درگیر مهندسی بودیم (نصب در و پنجره)، دوستم زنگ زد بهم، گفتم آخ جون بریم یه دور باهانش بزنینم، گفت حامد وسایلتو جمع کن دو روز بریم باغمون، گفتم از این بهتر نمیشه دیگه (اصلا فکر نکردم که الان تابستونه و فصل برداشت میوه). همین که رسیدیم باغ یه

بار زلزله اومده بود اون موقع خواب بودم و از خواب پریده بودم، دقیقا فکر کردم عین اون موقس، آخ آخ آخ؟! پاشدم گفتم مامان چه خبره فدات بشم خوابیما، گفت حامد پاشو کمک کن، بابات منتظر بود بیای یکم خونه تعمیرات لازم داشت، الانم پنجره و در که سفارش داده بودیم رسیده، پاشو آماده شو که نصبش کنی، گفتم چرا من آخه مگه من بلام؟! گفت این همه درس خوندی چپ و راست بهت می‌گم مهندسی

من انشایم را با نام و یاد خدا آغاز می‌کنم. دوران مدرسه رو بی‌خیال، می‌خوام تابستون دوران دانشجویی الانمو بگم. بچه که بودیم، ذوق و شوق تابستان از بعد از تعطیلات عید شروع می‌شد. الان یه دانشجوی ارشد به قول یکی از دوستانم توی دانشگاه اول دوم کشوریم. می‌خوام براتون بنویسم چگونه تابستون رو برای ما گذراندند (نه اینکه خودمون به دل خواه بگذرونیم). تابستون شروع شد از تیر ماه ۹۶ که شیش روز اولش ماه رمضان بود و فصل امتحانات، بعد از تموم شدن امتحانات، زنگ پشت زنگ، پیام پشت پیام که آقای خالدی پاشو بیا سمینارتو شروع کن که انشالا ۱۴ تیر دفاع کنی (استادم بود).

شروع کردیم به نوشتن و خوندن سمینار که بعد بهمون خبر دادن (استاد عزیزم، قربونش برم) که دفاع سمینار شد ۲۷ تیر، یعنی یه ماه از تابستونت، ما هم که از تعطیلات عید اومده بودیم از شوق و ذوق تابستون نرفته بودیم خونه که ان‌شالله تابستون میریم. آقا خلاصه بگم براتون سمینار دفاع شد و ما هم دلتنگ ولایت پاشدیم رفتیم خونه، تا رسیدیم مثل همیشه تحویلمون گرفتن و بوس و بغل و قربون صدقه مامان و بابا (همه میدونن چند ساعت اول اینجوریه) که از فرداش دیگه عادی شد، صبح بود با صدای دلخراشی و بلندی از خواب پاشدم، یا خدا زلزله؟! آخه سال ۶۴ یه



ایران و آمریکا، از واقعیت تا ادعا در مبارزه با تروریسم

روزنگار



هادی طلوعی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

دانشگاه تربیت مدرس

بود. آنان حتی به تهدید بغداد پایتخت عراق و شهرهای زیارتی شیعیان در جنوب پرداختند و با عملیات‌های انتحاری و کشتارهای فجیع غیرانسانی در مناطق تحت سلطه، موجی از وحشت را در سراسر منطقه می‌آفریدند.

در این دوران محور مقاومت که ایران، عراق، سوریه، حزب‌الله و گروه‌های فلسطینی اعضای آن را تشکیل می‌دادند، در معرض فروپاشی قرار گرفت. گروه‌های مسلح مخالف که از حمایت کشورهای عربی، غربی، اسرائیل و ترکیه برخوردار بودند، هدف خویش را مقابله با نفوذ ایران در منطقه اعلام می‌کردند. به راستی در آن ایام کسی تصور نمی‌کرد، رژیم سوریه که یکی از قطب‌های مهم مقاومت بود، پس از چندین سال جنگ داخلی و هجوم گروه‌های ترویستی به خاک کشورش همچنان پابرجا بماند. اما وضعیت فعلی حکومت اسد و متحدین آن همچون حشدالشعبی عراق و حزب‌الله لبنان همگی خط بطلانی بر پیش‌بینی اردوگاه متخاصم متخاصم کشید. اکنون شهرهای مهم عراق مانند تکریت، سنجار، موصل و رمادی و حلب، قصیر و دیرالزور در سوریه از چنگ آنان خارج شده است و جغرافیای حضور این گروه‌ها روزه روز محدودتر می‌شود. چنانکه به پیش‌بینی کارشناسان نظامی مرگ داعش در یک سال آتی حتمی خواهد بود.

در آن سوی میدان ایالات متحده از سال ۲۰۰۱ با شعار مبارزه با تروریسم، اقدام به

پس از مدتی نیز گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام، شهر رقه را در شمال شرقی سوریه تصرف کرد. این گروه همزمان با اقدام نظامی در سوریه، به عراق حمله کرده و موفق شد، استان‌های انبار و موصل - دومین شهر بزرگ عراق را به تصرف خویش درآورد. این حادثه اوج پیروزی‌های داعش بود و تا دو سال بعد حدود نیمی از خاک سوریه و ۴۰ درصد سرزمین عراق به چنگ این گروه افتاده بود. آنان حتی به تهدید بغداد پایتخت عراق و شهرهای زیارتی شیعیان در جنوب پرداختند.

لشکرکشی و تصرف کشورهای افغانستان و عراق نمود. حادثه ۱۱ سپتامبر از این جهت برای تامین منافع آمریکا در چارچوب مبارزه با تروریسم بعد جهانی یافت و این فرصتی بود که تصمیم‌گیرندگان کاخ سفید بیشترین بهره را از آن بردند. سیاست مبارزه با تروریسم این فرصت را در اختیار رهبران آمریکا قرار داد تا استراتژی متناسب با منافع خود را در خاورمیانه طراحی کنند. آمریکا رژیم‌های سیاسی حاکم بر برخی از کشورهای منطقه را حامی تروریسم معرفی می‌نمود. از دل همین استراتژی و حضور نظامی در عراق بود که گروه‌های ترویستی جدیدی متولد شدند. چه آنکه اشغال کشورهای اسلامی توسط آمریکا بهانه‌ای به

دست گروه‌های افراطی مذهبی در این منطقه داد تا با مشروعیت بخشیدن به ادعای خویش مبنی بر جهاد و مبارزه با کافران، به بسیج انسانی و سازمان‌یابی بپردازند. با ملاحظه این روند تاریخی باید گفت، استراتژی مبارزه با تروریسم در سیاست خارجی آمریکا موفقیت‌آمیز نبوده و در بهترین حالت منجر به رشد و گسترش گروه‌های ترویستی در خاورمیانه، ضعف دولت‌های مرکزی در برابر این گروه‌ها، ناامنی و آشوب‌های انسانی و کشتار غیرنظامیان شده است. در حالی که آمریکا در اکثر این کشورها، پایگاه و ایستگاه‌های مهم نظامی دارد. اما ایران بدون حضور مستقیم نظامی و حمله به خاک کشور دیگر پیش‌تاز مبارزه با تروریسم بوده است. این کشور از ابتدا فرماندهی ارتش‌های از هم پاشیده سوریه و عراق را برعهده گرفت و پس از قدرت‌یابی مجدد این کشورها، به صورت متحد نظامی، کمک‌های مشورتی و تسلیحاتی به آنان ارائه نمود. چنانکه در عملیات‌های مهمی که علیه گروه‌های شورشی انجام شد، نیروی قدس سپاه ایران حضور فعالی داشته است. از همین زاویه بود که نقش قاسم سلیمانی به عنوان فرمانده این نیرو با عراق و تبلیغات منفی در رسانه‌های غربی - عربی همراه شد. با این حال هر ناظر بی‌طرفی اگر ارزیابی منصفانه‌ای از نقش آمریکا و ایران در مبارزه با تروریسم داشته باشد، به جایگاه مثبت ایران در این خصوص و شکست ایالات متحده اذعان خواهد داشت.

در ژانویه ۲۰۱۳ وضعیت سوریه به نحوی بحرانی شده بود که نظام سیاسی آن در آستانه‌ی سقوط کامل قرار گرفت. در این هنگام بسیاری از مناطق را مسلحین و گروه‌های ترویستی تصرف کرده بودند. مناطق حومه‌ی دمشق که به ریف دمشق معروف است و غوطه شرقی و غربی اکثر در دست مخالفین بود. گروه‌های مسلح وارد پایتخت شده و فقط مناطق غربی و مرکزی باقی مانده بود تا نظام سقوط کند و حتی صحبت از معرکه‌الکبری درگرفته بود. شبکه‌های الجزیره و العربیه هم با شدت تمام تبلیغ می‌کردند که بیش از یک گام تا سقوط بشار اسد باقی نمانده و این کار در معرکه‌ی دمشق صورت خواهد گرفت.

پس از مدتی نیز گروه موسوم به دولت اسلامی عراق و شام، شهر رقه را در شمال شرقی سوریه تصرف کرد. این گروه همزمان با اقدام نظامی در سوریه، به عراق حمله کرده و موفق شد، استان‌های انبار و موصل - دومین شهر بزرگ عراق را به تصرف خویش درآورد. این حادثه اوج پیروزی‌های داعش بود و تا دو سال بعد حدود نیمی از خاک سوریه و ۴۰ درصد سرزمین عراق به چنگ این گروه افتاده



نسبت امام حسین (علیه السلام) با معرفت و نوحیدن



چارچوب



محمد رضا فروغی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم
سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

«حسین» و «کربلا» از مفهومی تراژدیک، عالی، سیاسی و از عرفانی‌ترین مفاهیم مذهب تشیع است که پس از گذشت چهارده قرن از جنبش جانسوز و پرمعنی کربلا نه تنها از اعتبار آن کاسته نشده بلکه بر اعتبار آن افزوده می‌شود. اعتبار کربلا و قیام امام حسین (علیه السلام) را از چند جهت می‌توان بررسی نمود.

اولین و مهمترین اعتبار کربلا ناشی از قیامی است که امام در جهت رهایی بشر از طواغیت سرکش زمان، مستکبران و زورگویان عالم بخصوص در لباس دین و خلافت انجام داد؛ قیامی که نه برای حکمرانی خود و از سر شهوت قدرت، بلکه برای به زیر کشاندن حاکمی غاصب و فاسد بود که با نام اسلام و به کام فرعون بر مردم زمان حکومت می‌کرد. حسین برای رضای خالق و ترسیم راه هدایت برای خلق قیام کرد؛ حسین قیام کرد تا قیام برای عقیده در تاریخ فراموش نشود و فرعونیان همیشه بدانند و به یاد آورند هرگز از پیام آوران راه حق مصون نخواهند بود. این جنبه از اعتبار کربلا، زیباترین و در عین حال ناشناخته و مظلوم‌ترین اعتبار کربلاست... جنبه‌ای که اگر بشر آن را دستاویز رهایی از طواغیت برون و درون قرار دهد به سعادت ابدی خواهد رسید.

دومین اعتبار کربلا را می‌توان در ادامه‌دار بودن آن دانست. کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود. زینب در تاریخ تشیع، نماد انسانی است که از خاموش شدن ندای حقیقت واهمه داشته و سعی می‌کند حق و حقیقت مبتنی بر دانش را به گونه‌ای دیگر و در زمانی متفاوت به نمایش هم عصران خود بگذارد تا حرکتی که از سوی امامش آغاز شده بود را به پایان برساند. زینب در طول تاریخ همان ندای حق است که پس از ظلم‌ها و قیام‌ها به خروش درآمده و طواغیت زمان را رسوا می‌سازد. زینب اگر ندای حقیقت را سر نمی‌داد و بانگ معرفت را به گوش عالمیان نمی‌رساند، اعتباری برای کربلا باقی نبود و صرفاً جنبشی عرب، حکومت‌خواه و خاموش معرفی می‌شد. زینب و زینبیا همواره در تاریخ بار سنگین افشای حقیقت را بر عهده خواهند داشت.

سومین اعتبار کربلا را می‌توان به وفاداری اشخاصی (اعم از زن و مرد) دانست که با پشت پا زدن به تمنیات مادی، در راه عقیده‌ی خویش با امام همراه شدند و وی را در راه رهایی دوباره‌ی بشر از طواغیت همراه کردند. نکته‌ی مهم این اعتبار این است که این اشخاص نه از روی اطاعت محض و کورکورانه و رابطه مرید و مرادی

بلکه با تحلیل دقیق و صحیح از شرایط، توجه حداکثری به عقیده و مبارزه در راه آن و اطاعت از امامی بود که از صمیم قلب به کنش او (بدلیل عصمت) اعتماد داشتند. آنها با وفاداری مبتنی بر دانش تحلیلی خود واقعه‌ای ساختند که بشر از درک آن عاجز است؛ رمز ماندگاری این وفاداری در طول این قرون، دانش محور و عقلی بودن آن است نه اطاعت کورکورانه.

چهارمین اعتبار کربلا و قیام امام حسین (علیه السلام) که غمبارترین اعتبار کربلاست، به نحوه‌ی شهادت امام و یاران وفادارش و اسارت خاندان نبوت می‌پردازد. این اعتبار کربلا ناظر بر شهادت سخت، ناجوانمردانه و غریبانه ۷۲ انسان پاک و اسارت همین تعداد انسان در نهایت خواری ظاهری و عذاب است که در نزد شیعیان با نوحه سر دادن و گریه کردن بر مصیبت‌های وارد شده به امام و خاندان پیامبر شناخته می‌شود و قرن‌هاست که علاقه‌مندان به مکتب تشیع از این روش برای همنوایی با پیشوایان خود استفاده می‌کنند. این اعتبار کربلا قابلیت رساندن پیامی عینی به جهانیان از جهت پایداری عقیده شیعیان را داراست و روز به روز در حال گسترش در سطح عالم است.

اعتبارهای فوق را می‌توان مانند سازه‌ای منسجم تصور کرد که اگر یکی مخدوش یا مغفول واقع شود، سازه‌ای ۱۴۰۰ ساله به راحتی فروریخته و یا منحرف می‌شود. در شرایط بحران فکری کنونی در جهان اسلام و تشیع، متاسفانه سازه کربلا به درستی در میان توده و حتی متفکرین تحلیل نشده و برخی اعتبارهای کربلا بر

اگر چنین وضعیتی ادامه پیدا کند شاهد مصائب بسیاری در تفکر و تاریخ تشیع خواهیم بود که سبب ساز مشکلاتی در فهم تشیع از تکالیف و اهداف خواهد شد. نمود عینی تسلط رویکرد نوحه و گریه بدون معرفت و وفاداری صرف در وضعیت کنونی بازتولید مکرر فسادهای مختلف در سطح جامعه اسلامی معتقد به امامت است که ماه محرم و گریه‌ی بدون شناخت از هدف برای امام حسین (علیه السلام) نتوانسته است از این فسادهای دولتی، فردی و اجتماعی کم کند. هر ساله پس از ماه محرم، وضعیت فساد پس از گذشت مدت کوتاهی به حال گذشته خود بازگشته و دردی بر دردهای شیعیان اضافه می‌شود. علت عدم کارایی موثر ماه محرم با تمام مزایای موجودش، در کاهش این فسادها بخصوص در مسئولین، عدم شناخت راه حسین و هدف او در مبارزه با طاغوت زمان خویش است. به عبارتی، چون اعتبار بازنشر کربلا مخدوش شده و زینبی نیست که دوباره ندای معرفت را سر دهد و با توجه به شرایط، حقایق را بازگو کند و چون زینبی نیست تا کاری حسینی انجام دهد، کربلا برای ما مخدوش و بطور غریبی نامفهوم شده است. اکنون وظیفه‌ی خطیری بر عهده‌ی تربیون داران و روشنفکران است تا از انحرافی بزرگ در تاریخ تشیع جلوگیری کنند، نه اینکه یکی از اعتبارها را حذف و دیگری را بزرگ جلوه دهند، بلکه کربلا را جامع و با توجه به وضعیت حال شرح دهند. اکنون همه باید کار زینبی کنند.

اولین و مهمترین اعتبار کربلا ناشی از قیامی است که امام در جهت رهایی بشر از طواغیت سرکش زمان، مستکبران و زورگویان عالم بخصوص در لباس دین و خلافت انجام داد؛ قیامی که نه برای حکمرانی خود و از سر شهوت قدرت، بلکه برای به زیر کشاندن حاکمی غاصب و فاسد بود که با نام اسلام و به کام فرعون بر مردم زمان حکومت می‌کرد. حسین برای رضای خالق و ترسیم راه هدایت برای خلق قیام کرد؛ حسین قیام کرد تا قیام برای عقیده در تاریخ فراموش نشود و فرعونیان همیشه بدانند و به یاد آورند هرگز از پیام آوران راه حق مصون نخواهند بود. این جنبه از اعتبار کربلا، زیباترین و در عین حال ناشناخته و مظلوم‌ترین اعتبار کربلاست... جنبه‌ای که اگر بشر آن را دستاویز رهایی از طواغیت برون و درون قرار دهد به سعادت ابدی خواهد رسید.

برخی دیگر ترجیح داده می‌شود. در حال حاضر دو اعتبار مداحی و وفاداری یاران امام، به صورت ناقص بر اعتبارهای معرفت و بازنشر غلبه پیدا کرده است؛ لذا کربلا از یک معرفت عمیق انسانی به عمیق‌ترین درد انسانی تبدیل شده است؛ کربلا از احساس تکلیف اشخاصی سرشار از عقیده و تفکر در خدمت خدا به وفاداری محض اشخاصی صرفاً مقلد و نه متفکر مبدل شده است... هیئات اگر گفت که عباس بعنوان وفادارترین یار حسین تحلیل و عقیده‌ای از خود نداشت و صرفاً مقلد بود.

برگی از تاریخ گمنام حماسه سازان

فداکاری



فریده گیو

دانشجوی دکترای ریاضی کاربردی
دانشگاه تربیت مدرس

بخش اول

اگر سال ۱۳۶۸ را سال پایان رسمی جنگ فرض کنیم، امروز ما ۲۸ سال است که از این «پایان» فاصله گرفته ایم. شاید زمانی که در گرماگرم پرهیجان سال‌های جنگ قرار داشتیم، هرگز نمی‌توانستیم به صورت آزاد و شفاف درباره‌ی وقایع جنگ سخن بگوییم و آن را نقد کنیم. درست مثل کسی که بخواهد در عین آنکه می‌جنگد، درباره‌ی ویژگی‌های درگیری، حرف هم بزند. فرق می‌کند با آنکه از بیرون به تابلوی جنگ نگاه می‌کند و وقایع آن را بازخوانی می‌کند.

جنگ ما از زمان انقلاب آغاز شد و یا دست کم برای نیروی زمینی، جنگ از زمان انقلاب شروع شده تا اینکه بگوییم، جنگ از ۳۱ شهریور ۵۹ آغاز شد. از پایان بهمن ماه سال ۱۳۵۷، ضدانقلاب به پادگان مهاباد حمله کرد. در جایی دیگر، پیش از عید نوروز سال ۱۳۵۸، ضدانقلاب به پادگان سنندج حمله کرد. به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که برای این حملات، گروهک‌های ضدانقلاب حداقل از شش ماه قبل از انقلاب، تجهیز، عضوگیری و سازماندهی کرده بودند. در کل در مرز کردستان و آذربایجان غربی از ۶-۷ ماه قبل از انقلاب، اصولاً نظام نوپای جمهوری اسلامی حاکمیتی نداشت که سبب فعالیت گروهک‌های دست پرورده دشمن شده بود. در رابطه با این ادعا که جنگ ما قبل از انقلاب شروع شد، می‌توان مثال‌هایی را عنوان کرد.

به این ترتیب، در شهریور سال ۱۳۵۹، این گروه‌ها جلوی نیروهای ارتش را گرفتند؛ با این دیدگاه که ارتش اجازه تردد در جاده‌های کردستان را ندارد و این، سبب ایجاد درگیری شد. به این ترتیب، تمام کردستان به جز پادگان‌ها در تسلط گروه‌های دموکرات، کوموله درآمد. در آغاز جنگ از میان ۲۶ تیپ نیروی زمینی، ۱۴ تیپ که حجم عظیمی از نیروهای ارتش را تشکیل می‌داد، در منطقه کردستان مستقر شده بودند که به پاکسازی محورها، شهرستان‌ها و روستاهای کردستان می‌پرداخت. آن ۱۴ تیپ که برای مقابله با ضدانقلاب به کردستان اعزام شده بودند، صدمه دیدند.

با شروع جنگ تحمیلی در طی شش ماه اول جنگ، ۱۱ گردان از میان نیروهایی که مربوط به منطقه کردستان نبودند، به منطقه اعزام شدند. موضوع قبول حمله عراق از سوی مسئولان نیز از جمله مسائلی بود که این مسئله را تحت‌الشعاع قرار داده بود؛ یعنی تصور بر این بود که عراق به ایران حمله نخواهد کرد. حال آنکه خود عراق مشغول تجهیز نیرو بود به گونه‌ای که نیروهای خود را از دو لشکر به شش و بعد به ۱۲ لشکر سازماندهی کرد و این مسئله ادامه داشت تا پایان

شدت می‌گرفت. با اجرای آتش به روی پاسگاه‌های مرزی ژاندارمری آن زمان و دادن تلفات، فرماندهی وقت لشکر دستور داد تیپ‌های تحت امر لشکر که شامل تیپ یک اهواز و تیپ دو دزفول و تیپ سه دشت آزادگان بود، در منطقه‌ی تحت مسئولیت خود مستقر شوند. تیپ یک

روزهایی که حیثیت مرگ به سخره گرفته شد

جنگ که تعداد لشکرهای عراق به ۵۶ لشکر رسید.

با این اوصاف ۱۹۲ فروند هواپیمای نیروی هوایی ارتش عراق در ۳۱ شهریور به منظور بمباران مواضع ایران به پرواز درمی‌آیند. عدنان خیرالله، پیامی برای صدام با این متن مخابره می‌کند: «سرورم! جوانان عراق به پرواز درآمدند؛ نیم ساعت دیگر کمر ارتش ایران خواهد شکست!» نیم ساعت مورد ادعای عدنان خیرالله به هشت سال جنگ طاقت فرسا تبدیل شد.

رزمندگان دلیر ارتش، تنها به فاصله دو ساعت پس از آغاز جنگ، مواضع عراق را در «شعیبیه» و «کوت» بمباران کردند و به فاصله کمتر از ۱۸ ساعت، ۱۴۰ فروند هواپیمای، پاسخی دندان شکن به هجوم ناجوانمردانه عراق دادند.

نیروی دریایی ما هم در «خور عبدالله» به موفقیت‌های امیدوارکننده‌ای دست پیدا می‌کند و از طرفی نیروی هوایی هم با فاصله کوتاهی مواضع عراق را بمباران می‌کند. همه این شرایط، زنگ خطر را برای صدام به صدا درمی‌آورد.

خواننده گرامی، مطالب فوق در قالب یک مقاله و یا یک خاطره از روزهای نخست جنگ تحمیلی عراق علیه میهن اسلامی ایران از زبان یک سرباز ارتش جمهوری اسلامی ایران به قلم سرهنگ زرهی علی محمد خوشنویسان نگاشته شده است که در آن زمان در عنفوان جوانی همچون غزالی تیز پا بود که فرماندهی یکی از تانک‌های گردان ۲۶۴ زرهی تیپ یک لشکر ۹۲ زرهی را به عهده داشت و اکنون با چهره‌ای

شکسته و موی سپید و چشمانی که در آن زمان همچون چشمان عقاب، دشت‌های کوشک و طلاییه را سیر می‌کرد و اکنون فقط با عینک قادر به خواندن و نوشتن است، نگارش گردیده است.

در شهریور ۵۹ با توجه به گزارشات عناصر دیدبان مرزی در منطقه‌ی جنوب که حاکی از عملیات قریب الوقوع کشور عراق علیه ایران بود و این گزارشات به ستاد لشکر ۹۲ و به نذاجا و ستاد مشترک آن زمان صادر می‌شد ولی به خاطر اینکه تازه انقلاب شده بود و بعضی مسئولین که تحت تاثیر عناصر خودفروخته بودند، به گزارشات توجهی نمی‌کردند و داد ستاد ارتش به جایی نمی‌رسید چون روز به روز علایم و قراین حمله عراق علیه ایران

زرهی اهواز که شامل گردان‌های ۱۲۱ پیاده مکانیزه و گردان ۱۶۵ پیاده مکانیزه و گردان ۲۳۲ تانک و گردان ۲۶۴ تانک بود به منطقه تحت امر خود (کوشک/ شلمچه/ طلاییه) اعزام و گردان ۱۵۱ دژ خرمشهر هم در نوار مرزی اعزام شوند. همزمان تیپ‌های دزفول و دشت آزادگان هم به منطقه اعزام شدند و گردان ۲۲۱ سوارزرهی به عنوان نیروی پوشش تیپ سه دشت آزادگان جهت اعزام به منطقه سوسنگرد وارد شده و ارتفاعات الله اکبر در اختیار تیپ قرار گرفت و گردان ۲۸۳ سوارزرهی هم به عنوان نیروی پوشش تیپ دزفول به منطقه فکه، عین خوش، میشداغ و برغازه اعزام گردیدند.

ادامه دارد ...





سال پنجم، شماره چهل و نه نیمه دوم شهریورماه ۱۳۹۶ سپتامبر ۲۰۱۷

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیرمسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سر دبیر و دبیر تحریریه: دکتر حمید مطهری
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
محرر طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

باتشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه های نویسندگان است.
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد



سفر



۱. ببخشید داداش یه چندتا بیشتر میز و صندلی میذاشتین. گرچه ما از اون ابتدای کلاس اولی مون شانس نداشتیم. اینم از روز ورودمون



۳. جان من آخه این چه سیستم خاصی داره این برنامه ورودی ها؟ فالله خیر حافظا میزین بعدش ورود را ممنوع میکنین؟!



۵. ماشالله داداش هامون چقدر بارو بندیل دارن. بابا یکم سبک بار باشید. دور و زومونه عوض شده. خانومه با یه کیف دستی اومده میگه ببخشید میشه آدرس خوابگاه رو بهم بدین؟!



۷. اینم دسته گل های بچه های ورزشکارمون در سال های گذشته بود دیگه خلاصه ورودی های جدید و عزیز خودتون بگیرید که مثلاً ما چقدر فعال بودیم



۹. خوش اومدین جدیدالورودها ان شاءالله بعد از فارغ التحصیلی تون هم همینقدر رفیق بمونید خاطر تون بمونه روز جشن فارغ التحصیلی تون به عکاس چشمه بسپارید بیاد و از تون عکس بگیره



۱۱. چیه؟! بدبختی عکس گرفتن داره؟
شانس نداریم که میدونی چند ساله دارم درس میخونم؟ پس کی تموم میشه برم دنبال خونه زندگیم. همش بهترین دانشگاه ها قبول میشم



۲. فلش. فلش. فلش. یکی از من پرسید ببخشید میخوام برم ب سمت فلش دقیقاً باید کدوم وری برم؟!



۴. برو بچه های بسیج خدا قوت. این بچه ها توی بسته های مخصوص ورودی ها هم لیوان گذاشته بودند و هم گل. هر چقدر خواستم مخشون رو بزخم که ورودی هستم و لیوان میخوام. باور نمی کردن. یعنی اینقدر بزرگ شدم؟!



۶. با خدا معاونت دانشجویی که بشه در یک نگاه دیدش چه شود؟!



۸. واقعا خدا قوت
عرق ریختن های این عزیزان را هیچکس ندید ولی تا تونستن چشیدن



۱۰. انگار مسئول غرفه اومده مهمونی. راحت باش برادر دیگه چه خبر



۱۲. بیگیر داداش عکس توپ ازم بیگیر بذار همه ببینن نفس کشیدن تو تربیت مدرس چه نعمتی